

شبکه اجتهاد: روش شناسی اجتهاد (روشنا)
 استاد امیر غنوی: مراحل فقه‌آموزی: استظهار، علی القواعد، مستحدثات
 (مصاحبه شبکه اجتهاد)

روش درس خارج

از دو زاویه می‌توان درس خارج را بررسی کرد؛ زاویه اول، زاویه استادانی است که درس خارج دارند و در درس خارج می‌خواهند سیری را در پیش بگیرند تا طلبه به مطلوب و مقصود، نائل شود. زاویه دوم، زاویه طلاب است.

با توجه به وضع موجود و نقایص این ساختار، طلبه چه راهی را باید پیش بگیرد تا به غایت درس خارج نائل شود؟ با توجه به اینکه مخاطب این نوشتار، عمدتاً طلاب عزیز هستند، مطلب را از زاویه دوم پی‌گیری می‌کنیم.

مدارسی که در حوزه تعریف شده، به گونه‌ای است که خروجی‌های آن باید به مرحله رهبری فکری و عملی مردم دست یابند و بتوانند جریانی فکری، مجموعه یا نهادی و... را سرپرستی کنند و به سمت و سوی مطلوب سوق بدهند. در این میان، درس خارج، یعنی مسیر رسیدن به اجتهاد. یعنی طلبه بتواند مسئله‌ای را که در فضای اجتماعی او هست، درست بفهمد و حکمش را از ادله استخراج کند.

حکمت سه بخشی شدن مراحل تحصیل هم بر سه هدف پایه‌گذاری شده است:
 ۱. در مرحله اول، طلبه باید فاصله زبانی را با متون از بین ببرد و با زبان دین آشنا شود. (مقدمات).

۲. در مرحله دوم، طلبه باید با شیوه استفاده از متون، آشنایی پیدا کند و بر گفت‌وگوهای علمی رایج و پذیرفته شده در استنباط علوم دینی، مسلط، و با محتوا و روش‌های استنباط آشنا شود. (سطح).

۳. در مرحله سوم، طلبه از یک متن خاص منفک می‌شود و باید در فضای جدید آموزشی، به تدریج توان نظریه‌پردازی، اجتهاد و استنباط را به دست آورد. (خارج)

پس درس خارج، فضایی آموزشی پدید می‌آورد که طلبه باید بتواند بر اساس آن، پاسخ سؤالات خود و جامعه‌اش را از متون دینی استخراج و استنباط کند. در درس سطح هم طلبه به استاد اشکال می‌گیرد و کلاس همراه با بحث و مطالعات جانبی است، اما طلبه در درس خارج باید سازنده باشد. کسی که می‌خواهد سازنده باشد، ابتدا قواعد را به او می‌آموزند و بعد او شروع به ساختن می‌کند. در حین ساختن هم به او کمک می‌کنند تا بتواند مهارت لازم را کسب کند. **چند خانه ضعیفی که او می‌سازد، از خانه محکمی که استادش می‌سازد، بهتر است.** طلبه بر خلاف دوره سطح که خانه ساختن دیگران را می‌دید، خودش باید خانه بسازد و چگونه ساختن را یاد بگیرد. پس محور درس خارج، استنباط کردن، خلاقیت و سازندگی خود طلبه

است. بنابراین، مهم‌ترین کار آموزش در مرحله درس خارج آن است که طلبه زیر نظر استاد متبحر، وارد میدان استنباط شود و ضعف‌ها و عیب‌های کارش را برطرف سازد و استنباط را یاد بگیرد و نقد شود. از این رو، هر چه بیشتر گام برمی‌دارد، پخته‌تر و دقیق‌تر می‌شود. البته این مطلب با اینکه در درس خارج، مطالب تئوریک آموزش داده شود، منافاتی ندارد، ولی محوریت درس خارج، تربیت طلبه با آن ویژگی‌هاست.

اگر هسته آموزش درس خارج، آموزش فن استنباط و اجتهاد است، طلبه باید فنی را بیاموزد که به ظرافت و دقت فراوان نیاز دارد. از این رو، **اولین حرکت علمی در درس خارج**، باید **فراگرفتن روش استاد در فرآیند اجتهاد** باشد و طلبه باید مدتی ناظر دقیق فعالیت‌های استاد باشد تا روش و فرآیند را بیاموزد و در این مرحله، نتیجه استنباط و محتوای آن، اهمیت چندانی ندارد.

باید از **مسائل ساده** آغاز کرد و گام به گام به حل مسئله پرداخت و با تحلیل به سؤالات کلیدی رسید و نشان داد که جواب این سؤالات را چگونه باید از کتاب و سنت گرفت. طلبه باید روش برخورد استاد با سؤال و فکر کردن و به نتیجه رسیدن استاد را زیر نظر بگیرد و بیاموزد. وقتی حرکت علمی استاد را زیر نظر گرفت، باید خودش در جهت حل مسئله گام بردارد. باید از مسائل ساده شروع کند و با نظارت استاد، کار او نقد شود و تفاوت روش خود با استاد را در مباحثه با استاد، به دست بیاورد. این شیوه روشی است که می‌تواند طلبه را به سرعت پیش ببرد و مهارت لازم را در او به وجود آورد. از این رو، فرآیند درس خارج باید به این ترتیب باشد:

۱. اول باید فاصله آموزشی درس سطح تا خارج پر شود،
۲. سپس استاد در تک‌تک مهارت‌های اولیه طلبه با او کار کند،
 - ۲/۱. از فهم کتاب و جمع‌بندی
 - ۲/۲. تا تحلیل مطالب استادان بزرگ.
۳. در مرحله بعد شاگرد می‌سازد و استاد به هم می‌ریزد و ضعف‌هایش را نشان می‌دهد.
۴. در مرحله دیگر، پس از آنکه ساختار ساده را یاد گرفت، به امهات می‌پردازد و با پرداختن به مسائل اختلافی فقه، آنها را یاد می‌گیرد.
۵. در مرحله‌ای دیگر، شاگرد کارهایش را انجام می‌دهد و حاصل را عرضه می‌کند و کل کار، نقد می‌شود.
۶. در مرحله بعد باید به نمونه‌های سخت - نمونه‌های اختلافی که فقها در آن با هم درگیر هستند - پردازد.
۷. در مراحل دیگر هم باید به سازه‌های بزرگ و مسائل پیچیده پردازد تا طلبه در آن موردها، به عالی‌ترین سطح توان خود برسد.

انواع مسائل فقه

در اینجا باید به این نکته اشاره کنم که ما در فقه با سه دسته از مسائل روبه‌رو هستیم که طلبه باید به طور جداگانه، روش برخورد با این مسائل و استنباط را بیاموزد. البته می‌توان با تمهیداتی این‌ها را در عرض هم آموزش داد: فقه علی‌القواعد، فقه استظهاری و فقه مستحدثات.

فقه تفریعی

استنباط اول که قدما به آن فقه علی‌القواعد یا تفریعی می‌گفتند، فقهی است که استفاده از قواعد و دقت در کاربرد قواعد، مهم است و طلبه با روایات و تعادل و تراجیح و مشکلات سندی و استظهارات، کار ندارد؛ بلکه با قواعد مشخص و دقیق سر و کار دارد و طلبه باید سعی کند نوع کاربردها را در فضای مثلاً معاملات بیاموزد.

این نوعی آموزش خاص می‌خواهد و آموزش آن شبیه آموزش ریاضیات در دبیرستان است. در دبیرستان، سلسله قواعد ساده ریاضی را آموزش می‌دهند که ساده و فهمیدنی به نظر می‌رسد، ولی به تدریج در حل تمرینات، مسائل پیچیده می‌شود و شما برای حل مسائل باید قدرت و توانایی تجزیه مسائل را داشته باشید تا بر اثر تجزیه مشخص شود که هر کدام از قسمت‌های مسئله با کدام قاعده، به جواب می‌رسد. با تمرین مناسب که امروزه به آن مهارت حل مسئله می‌گویند، می‌توان مهارت لازم در این مسائل را به دست آورد. حقوق و ریاضیات، شبیه فقه تفریعی‌اند. از این رو، همین شیوه در فقه علی‌القواعد به کار می‌رود. ابتدا مسئله تحلیل و تجزیه، و مجهول به فضایی وارد می‌شود که به آن منابع شناخته شده نزدیک باشد و برای هر بخش این مسئله، منابعی را مشخص می‌کنیم. فقیه باید بتواند از قواعدی که در اصول و فقه قبول کرده و همچنین قواعدی که در آن باب خاص به دست آورده است، مسئله مورد بحث را حل و فصل کند و جواب دهد. تبدیل فروع اصلی به فروع درجه دو را - که نوعی توان حل مسئله است - تفریع می‌گوییم.

برای نمونه، بحث پیوند اعضا را مطرح می‌کنیم. وقتی مسئله را تحلیل می‌کنیم، با مسائلی روبه‌رو می‌شویم. یک بحث این است که اصلاً کسی می‌تواند عضو خودش را واگذار کند؟ اگر واگذار کرد، آیا قابلیت خرید و فروش وجود دارد؟ اگر کسی خرید، آیا این عضو نجس است؟ اگر خرید اشکال نداشت و نجس هم نبود، آیا قابلیت پیوند زدن به شخص دیگر وجود دارد؟ آیا انسان می‌تواند تغییر در اعضایش به وجود آورد؟

یک مسئله به چند مسئله ساده‌تر تبدیل می‌شود و هر مسئله با قاعده مشخص، قابل حل است.

فقه استظهاری

فضای دوم، استنباط فقه استظهاری است. این مسائل، جزو آن دسته از استنباطات فقهی هستند که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با روایات و آیات دارند، یعنی پس از روشن شدن صورت مسئله، می‌بینیم درباره این مسئله در فضای آیات و روایات، گفت‌وگو شده است.

در فقه استظهاری باید توان ظهورگیری از کلمات معصومین و استنباط از ادله را به دست آورد. در این فقه، باید مراحل را طی کرد:

۱. در مرحله اول باید با مجموعه ادله آشنا شد. گاهی طلبه به دنبال مطلبی است که تا تسلط کامل به تمام کتب، و تتبع لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند به مطلب دست بیابد. مثلاً آداب معاشرت «آداب العشره» در کتاب الحج است. چون مردم در ایام حج باید حدود یک سال با هم زندگی می‌کردند، لذا آداب معاشرت را در کتاب حج آورده‌اند، ولی اگر کسی کار نکرده باشد، نمی‌داند در کجا باید به جست‌وجو پردازد. همچنین آشنایی با مجموعه احادیث و آخرین فهرست‌ها و نرم‌افزارها، امکاناتی را می‌طلبد که برای جست‌وجو و یافتن مطلب لازم است.

۲. در مرحله بعد باید طلبه بیاموزد این دلیل‌هایی که کنار هم جمع کرده است، چگونه از نظر محتوایی، تحلیل کند. فقیه از روایتی که به نظر طلبه مبتدی پیچیدگی ندارد، مطالب لطیف و دقیق را استخراج می‌کند.

۳. طلبه در مرحله سوم باید بتواند مطالب را کنار هم تجمیع کند تا به نتایج لازم دست بیابد. ۳/۱. گاهی استظهارات مطلوب است، ولی از ترکیب و جمع‌بندی، نتایج جدیدی حاصل می‌شود

۳/۲. و گاهی مجموعه استظهارات با هم تعارض دارد و طلبه باید بتواند تعارض، ناهمخوانی و تنافی ادله را برطرف کند.

پس ابتدائاً کار ما در این مسائل، یافتن این مدارک، در مرحله بعد، تحلیل محتوا و ارزش این مدارک از حیث صدور و دلالت و در مرحله آخر رسیدن به جمع‌بندی مجموع بیانات است. به این شکل که اگر تعارضی بین بیانات صادره وجود دارد، آن را برطرف، و حکومت یا ورود و تخصیص و تخصّص و... را لحاظ کنیم و با اموری که لازمه جمع میان دلالت ادله مختلف است، به آن موضوع جواب دهیم.

پس مهارت‌های مورد نیاز در فقه استظهاری، عبارتند از:

۱. مهارت تحلیل سؤال،

۲. مهارت تجمیع ادله،

۳. مهارت تحلیل محتوای آیات و روایات

۴. و مهارت جمع‌بندی محتویات به دست آمده.

نکات

۱. فقه علی‌القاعده بعد از فقه استظهاری است. یعنی در فقه استظهاری، مثلاً امّهات باب طهارت و قاعده طهارت از روایات استخراج می‌شود، ولی وقتی با یک مسئله روبه‌رو می‌شوید، تجزیه مسئله به مسائل بسیط و تطبیق هر قاعده بر بخش مربوط به خودش، فقه علی‌القاعده است. از این رو، روندی که در آن از قاعده‌ها، مسائلی را می‌یابید که مستقیم با واقعه مرتبط است، فقه علی‌القاعده می‌گویند.

۲. آموزش دو فقه: با توجه به اینکه تقریباً مهارت استظهار از ادله و مهارت تفریع، هم‌عرض هستند، لذا با کارهای ویژه‌ای می‌توان دو مهارت را با هم آموزش داد.

۳. کاربرد دو فقه

۳/۱. فقه استظهاری در مواردی که روایات متنوع تر و مفصل تر و برخورد بین روایات بیشتر باشد، پرکاربردتر می شود. به همین دلیل، ابواب خاصی برای فقه استظهاری مناسب تر است، مثل قسمت هایی از طهارت، بخش های عمده صلاة، حج، نکاح، حدود و

۳/۲. کاربرد مهارت تفریح بیشتر در فقه معاملات است. مسائل بیع، اجاره و عمده مسائل نکاح، مباحث علی القواعدشان خیلی بیشتر است. بحث طهارت و بحث هایی از صلاه، مانند بحث خلل صلاه نیز این گونه هستند.

۳/۳. مباحثی مانند قصاص هم هست که قواعد خوبی برای کارهای استظهاری دارد، ولی از آنجایی که این مباحث دارای تفریعات خیلی گسترده ای است، باید هر دو نوع مهارت فقهی را داشت.

فقه مستحدثه

سومین استنباط فقهی، مباحث فقه مستحدثه است. در مسائل مستحدثه، طلبه با پیچیدگی متفاوتی روبه رو خواهد شد.

۱. اولاً خود موضوع مثل موضوعات سابق، **بسیط نیست** و اگر فقهی در برابر پرسشی از مسائل مستحدثه - مثلاً سؤال از بانک و بانکداری - به سؤال مطرح شده، بدون توجه به فضای خاص سؤال و مجموعه مسائل مرتبط با آن پاسخ بدهد، دچار اشتباه می شود، ۱/۱. مانند بلایی که در بحث **شرکت های هرمی**، بر سر بزرگان ما آوردند. یک سؤال را از فضای خاصی می آورند و فقیه ما به علت عدم شناخت فضا و مسائل، قادر نیست پاسخ درستی بدهد.

۲. دومین نکته مسائل مستحدثه این است که آن مسائل، **بسیار متفرق** هستند و طلبه باید قادر باشد به نظام آن مسائل متفرق برسد که در این صورت، حل آن مسائل آسان می شود. ۲/۱. مثلاً در بحث **شرکت های هرمی**، چند مسئله اصلی، کل سیستم فکری و تجاری را ایجاد می کند و بر همان چند اصل استوار است و پاسخ گویی به همان چند اصل اساسی، مسئله مستحدثه را روشن می کند.

۲/۲. لازمه کار این است که نه تنها باید مجموعه سؤالات مشخص بشود، بلکه باید **هندسه سؤالات** هم به دست بیاید و مشخص بشود که مجموعه سؤالات مبتنی بر آن مسائل اساسی است.

۳. در مرحله بعد، باید آن مسائل و سؤالات اساسی به گونه ای **تحلیل** شود که **با منابع سازگار** باشد و ما بتوانیم جواب مسائل را از ادله به دست آوریم.

۳/۱. مثلاً شرکت های هرمی یا بیمه یا قرارداد مشارکت انعطاف پذیر، که با چند شرکت چند ملیتی قرارداد می بندند و شرکت جدیدی را به وجود می آورند. ما باید با تجزیه و تحلیل و طی مراحل که در بالا گفته شد، علاوه بر تحلیل، مظان مربوط به

ادله را هم مشخص کنیم و بدانیم از کدام یک از ابواب فقهی باید در حل مسئله بهره ببریم و به کدام ابواب مراجعه کنیم.

۳/۲. در این مباحث، تحلیل خاص صورت مسئله، و تعیین این که این بحث به کجا برمی گردد و در چه ابوابی باید فحوص و جست و جو کرد، مشکل است و مهارت خاصی می طلبد، چرا که در آیات و روایات، بحثی در این باره نبوده است.

۳/۳. ضمن اینکه برای به دست آوردن جواب هایی که امروز به کار می آید، به شناخت فضای مباحث روز آن موضوع هم نیاز داریم.

۳/۴. از این رو، در مسائل مستحدثه هم به دلیل پیچیدگی با نظامی از سؤالات روبه رو هستیم که باید روح کلی نظام سؤالات را به دست آوریم و از نظام سؤالات مسائل مستحدثه تا سؤالاتی که از ادله دینی مطرح می کنیم، به دلیل نداشتن همزمانی، راه زیاد است. شما در فقه علی القواعد، به محض تحلیل به سؤالاتی می رسید که با استظهارات جواب آنها روشن می شود، لکن مسائل مستحدثه در استظهارات ما وجود ندارد. مثلاً بحث شرکت های هرمی را در روایات نداریم.

آموزش فقه مستحدثه

آموختن مهارت در مسائل مستحدثه، باید بعد از توانایی در فقه استظهاری و علی القواعد باشد، چون در مسائل مستحدثه هم با استظهار و تفریع مواجه آید. علاوه بر این دو، یک سری کارهای اضافه هم دارید و باید توان مندی های ویژه ای برای این کار داشته باشید.

نسبت درس خارج با آموزش انواع فقه

در فضای آموزشی درس خارج باید این سه مهارت کسب شود. اگر طلبه بعد از سطح کاملاً آماده بود، از بحث های استظهاری ساده، آغاز، و روی تفریعات آنها کار می کرد و به تدریج، استظهارات او پیچیده تر می شد و روی فقه علی القواعد بیشتر کار می کرد و بعد از فراغ از این مهارت ها، به مسائل مستحدثه می پرداخت، اما به علت نواقص دوره سطح، علاوه بر کسب مهارت های سه گانه در درس خارج، طلبه باید ضعف های دوره سطح را هم برطرف کند.

جبران ضعف های دوره سطح در درس خارج

کاربردی نبودن فقه و اصول در دوره سطح، فاصله علمی کتب سطح با درس خارج و عدم اشراف بر کل فقه و اصول، جزو مشکلات است. مثلاً طلبه کتب اعلام سه گانه نائینی، اصفهانی و آقا ضیا و فضلالی بعد از آنها را ندیده است، در حالی که آنها حرف های فراوانی داشته اند و استدلال های امروز هم با زمان شیخ انصاری، تفاوت فراوانی دارد. مثلاً استدلال های آقای خوئی در مصباح الفقاهه و آقای خوانساری در جامع المدارک در بحث معاملات، با استدلال های شیخ انصاری، خیلی فرق دارد.

بنابراین، طلبه ای که دوره سطح را گذرانده است، از نظر ماحصل آموزشی تا نقطه صفر درس خارج فاصله دارد. بنابراین، طلبه باید واقف باشد که برای رفع این مشکل، کاستی های دوره سطح را با دروس اضافه و مطالعه کتب مناسب برطرف سازد:

۱. مثلاً علاوه بر کفایه، حلقات شهید صدر را هم بخواند
۲. یا علاوه بر مکاسب شیخ انصاری، مصباح‌الفقاهه آقای خویی و بیع امام خمینی را درس بگیرد یا مطالعه کند که تا حدی با فضای استدلالی امروز آشنایی پیدا کند.
۳. همچنین مناسب است، هم‌زمان با مباحث روز هم آشنا شود و به کتاب‌های حقوقی و... مراجعه کند تا با فضای سؤالات معاصر هم آشنایی کافی داشته باشد.
- ۳/۱. مثلاً امروزه در معاملات کامپیوتری و اینترنتی که با کلیکی در کامپیوتر حاصل می‌شود، آیا ایجاب و قبول حاصل می‌شود؟
۴. علاوه بر این ضعف‌ها باید ضعف در دروس خوانده شده را هم به تدریج مرمت کرد.

مطالعه علوم انسانی

درباره مسائل مستحدثه گفته شد که شما باید با فضای دنیای امروز و علوم معاصر هم آشنا شوید.

شروع از علوم انسانی درجه یک

علوم انسانی را به دو دسته درجه اول و درجه دوم تقسیم می‌کنند. علوم انسانی درجه اول، علمی هستند که در حقیقت، گزاره‌ها و پیش‌فرض‌های علوم انسانی درجه دو را تأمین می‌کنند. مثلاً در فضای مدیریت، بر اساس مطالبی که در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دیگر علوم پایین‌تر پذیرفته‌اید، حرف می‌زنید. به همین دلیل مناسب است مطالعاتتان را از علوم انسانی درجه اول، مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و... شروع کنید، که بعضی از این علوم، مقدم بر سایر علوم است. مثلاً روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، مقدم بر مباحث اقتصاد هستند. بعد از آن، مطالعه علوم دیگر، مانند علوم سیاسی و بحث‌های مدیریت و غیره را که علوم انسانی درجه ۲ هستند، شروع کنید. اینها لوازم پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه هستند. بعد از اینکه با شناخت مسئله توانستید از عنوان مسئله مستحدثه به عناوینی برسید که در روایات، مابازا دارند، در مرحله بعد نیاز دارید از این بحث‌ها اطلاع داشته باشید تا در تطبیق یافته‌هایتان بر فضای بیرون موفق باشید.

مثلاً یکی از مسائل مستحدثه، بحث **معاملات هرمی** گلدکوئیست است. برای اینکه بتوان به این مسئله پاسخ داد، بعد از اینکه در فقه معاملات از ربا و بیع کالا به کالا و... گفت‌وگو کردید، باید بفهمید که این‌ها چه می‌گویند، وگرنه نمی‌توانید اظهارنظر کنید. اگر ندانید این امر چه آثاری دارد، نمی‌توانید بفهمید مشکل کجاست؟ باید شناخت دقیقی از موضوع داشته باشید تا بدانید فضای اقتصادی که این معامله ایجاد می‌کند، چه خواهد بود و بعد اظهارنظر کنید.

البته منظور این نیست که فقیه باید در تمام این علوم تخصص پیدا کند. خیر! نیاز این است که این فضاها را بشناسید و حتی اگر مسئله‌ای مطرح شد که هنوز شناختی از آن ندارید، بتوانید حدس بزنید کجای آن، مورد تردید و بحث است تا بدانید درباره چه بخش‌هایی، باید مطالعه و تحقیق کنید.

منابع آغازین برای مطالعه علوم انسانی

برای آشنایی با این علوم، مناسب است از **کتاب‌های دبیرستان در رشته علوم انسانی** شروع کنید که معمولاً فهم آن‌ها راحت است. بعد هم به سراغ کتاب‌های درسی دانشگاهی در آن رشته‌ها بروید و دست‌کم به طور منظم، چهار - پنج کتاب از کتاب‌های اصلی را مطالعه و مباحثه کنید و اگر دسترسی به استاد دارید، خیلی بهتر است که از استاد نیز استفاده کنید.

زمان بندی مطالعات

دروس حوزه را در همان زمان تحصیلی حوزه بخوانید، ولی در ایام تعطیلی لازم نیست همیشه همان درس‌ها را مرور کنید. در ایام تعطیل، نقاط ضعف را برطرف سازید و فقه و اصول و ادبیات و تفسیر را در زمان درسی کار کنید، ولی در زمان‌های تعطیلی و فراغت، به دیگر موردها پردازید.

البته این اشتباه است که فکر کنیم بحث‌هایی مانند علوم انسانی را در عرض چند سال می‌توانیم به پایان برسانیم. این برنامه‌ای زمان‌بر است که انجام آن ممکن است هفت یا هشت سال یا حتی ده سال زمان ببرد.

روش کار درس خارج اصول

در درس خارج اصول، کاری مشترک با فقه و کار مجزای اصولی دارید. کار مشترک شما با فقه این است که در اصول هم، قرار است خودتان سازنده باشید. در آنجا هم قرار است شما بگویید من نظرم این است. این روال تحقیق علمی است، که باید به این رسید که: «من این نظر را با این ادله انتخاب کرده‌ام.» در دروس خارج فقه و اصول، درباره موضوعی که بحث و گفت‌وگو شده، مفصل‌تر گفت‌وگو کنید و بنویسید. آن هم به این شکل؛ نظر و ادله شما بر فرمایش‌تان این است.

نقد یک روش

پیشنهاد برخی در این باره این است که به جای اینکه اصول را جدا کنیم و در کنار فقه بخوانیم، در مسائل فقهی پیش برویم و در فقه با هر قسمت از اصول که مواجه شدیم، همان مسئله را تحقیق کنیم و به همین شکل جلو برویم. اشکال این پیشنهاد این است که با چنین روشی، شما از ساختار آموزشی حوزه جدا می‌شوید و خودتان باید به تنهایی کار کنید، چون استادی پیدا نمی‌کنید که به او بگویید: «ما امروز سر درس فقه به اطلاق و تقييد رسیدیم؛ می‌خواهیم اطلاق و تقييد را با شما بحث کنیم». خودتان هم در چهار - پنج سال اول نمی‌توانید به سراغ تقریرات استادان بروید. این‌ها عالمان کوچکی نبوده‌اند که خیلی راحت بتوان حرفشان را خواند و فهمید، ولی چهار - پنج سالی که از تحصیل خارج گذشت، می‌توانید خودتان نظر بدهید. البته گفت‌وگو با استاد ناظر را زود ترک نکنید، چون حتی اگر خیلی هم قوی باشید، از آن استاد به عنوان یک هم‌بحث نیرومند می‌توانید استفاده کنید.

با درس‌های خارج امروز چه کنیم؟

معتقدم طلبه‌ها غالب توصیه‌ها را می‌دانند، لکن ما حرف جدیدی نداریم و راه‌حلی بر اساس تحقیق و استناد ارائه نکرده‌ایم و به گونه‌ای به عقب رفته‌ایم که طلاب به سمت علوم انسانی دانشگاهی می‌روند و در آن غرق می‌شوند و از حوزه جدا می‌شوند و ما با سهل‌انگاری و برخورد غیرکارشناسانه با طلاب، آنها را در مرحله درس خارج، رها یا طرد می‌کنیم و حتی تا مرز استحاله و دوری از فضای حوزه یا گرایش به دانشگاه پیش می‌بریم.

طلبه در درس‌های خارج، نقش اصلی را ندارد و استاد، در صدد نیست که نظارت بر کار علمی طلبه داشته باشد. طلبه باید بسازد و او نقد کند که با توجه به کثرت شاگردان دروس، حتی امکان اشکال کردن را هم فراهم نمی‌کند، چه برسد به اینکه استاد بر طلبه نظارت داشته باشد.

البته دروس خارج امروز در بهترین حالت بیان نظریات و شنیدن انتقادات بر نظریات است. استاد کتاب‌هایی را خوانده است و به طلبه تحویل می‌دهد، ولی آن هدف مطلوب که رسیدن به **مهارت سازندگی** است، برای طلبه حاصل نمی‌شود.

بنابراین چون بنای ما استفاده حداکثری از سیستم فعلی است، باید در دروس خارج فعلی شرکت کرد، نه یک درس، بلکه دروس مختلف، و از هنر هر درس بهره جست. بعضی درس‌ها را باید یک روز یا یک ماه رفت و بعضی را چند سال. شما در کنار این دروس باید سعی کنید مطالب را با فردی قوی بحث کنید یا از استادانی که هنوز در حوزه اقبالی به آنها نشده یا طلاب قوی و شرکت‌کننده در همان درس استفاده کنید و با بحث و فحص و کار مطالعاتی بیشتر به قول مختار برسید و مطلب را به آن استاد ارائه کنید و از ضعف‌های خود و برخورد بد استاد هم ناراحت نشوید؛ چرا که ضعف اقوال در ابتدا عادی است و استاد هم در ابتدا همین گونه بوده است.

نقش استاد، به خصوص در چند سال اول درس خارج، بسیار مهم، و فایده آن یادگیری دقت‌ها و زیرنظر گرفتن قوت‌ها و توان‌مندی‌های استاد است و این کار با مطالعه کتب و نظریات دیگران به دست نمی‌آید و تأثیر استاد یا هم‌مباحث قوی در این مرحله، از مطالعه خیلی بیشتر است. بعد از چند سال که قوت‌هایی حاصل شد، باید شیوه آموزشی را عوض کرد، لکن در ابتدا باید از همین دروس بهره برد. افراد بسیاری هستند که در ابتدا درس‌های معمول را رها کردند و به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند.

طلبه برای یاد گرفتن روش استنباط و حرکت علمی استاد و روش پی‌ریزی مسائل، باید به درس‌های مشهور برود، ولی برای نظارت استاد حلقه‌های گفت‌وگویی با فضیلتی قوی که هنوز به آن شهرت نرسیدند، داشته باشد و برای گفت‌وگو و نقد مطالب و به دست آوردن ضعف‌ها، طلاب به کار علمی می‌پردازند و ماحصل را به استاد ارائه می‌کنند تا مکملی بر کار آنها باشد و ضعف‌های آموزشی حوزه با این راه‌حل برطرف می‌شود و از طرفی هم لازم نیست استاد وقت زیادی را هزینه کند.

به نظر می‌رسد با این برنامه، به صورت عملیاتی و متناسب با شرایط موجود حوزه می‌توان ضعف‌های دروس خارج را پوشش داد. پس طلبه با این دو استاد، راه را ولو، به سختی و دشواری می‌تواند طی کند. طلبه باید چند سال فقه استظهاری کار کند و در درس‌های ابوابی، مانند صلاه و حج و طهارت و... - که عمدتاً استظهاری است - حضور یابد و چند سال هم فقه علی‌القواعد کار کند و به درس‌های متناسب مثل مکاسب برود و سرانجام از درس‌های مسائل مستحدثت هم بهره ببرد.

فقه مستحدثات کلاس‌های ساده‌ای در حوزه دارد، لکن اگر کسی می‌خواهد فقیه مستحدثات شود، کار پیچیده‌تری دارد و لازمه‌اش این است که حتی قبل از درس خارج، مطالعات خود را در مسائل روزگسترش دهد. برای آشنایی با مطالب روز هم خوب است طلبه چند کتاب اصلی و پایه در زمینه اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و... را مطالعه کند و با فضای آن‌ها آشنا باشد تا وقتی با مسائل مستحدثه و تخصصی روبه‌رو می‌شود، آن فضا را بهتر بشناسد.

فقه مقاصد

در پایان باید به سطح دیگری از فهم اشاره کنم که از فضای آموزشی موجود قدری فاصله می‌گیرد. در دروس موجود به گفته‌ها می‌پردازند، اما در سطحی بالاتر باید به «برای چه گفتند؟» پرداخت، تا به مقصود کلام پی ببریم.

تأثیر تفقه سلوکی در فقه مقاصد

«برای چه گفتند؟» یا **فقه معانی**^۱، به غیر از بحث مقدمات طلبگی با مسائل روحی طلبه ارتباط دارد. به ما یاد داده‌اند آن‌هایی که اهل این خانه باشند، به این خانه واقف‌ترند و کسانی فضای کلمات معصومین را می‌فهمند که خودشان در آن فضا تنفس کنند. هر سخنی، فرهنگ خاص خود را دارد و کسانی به عمق سخن پی می‌برند که متعلق به آن فرهنگ هستند. مثلاً کسی که زبان فارسی را بلد نیست و در فارسی جملاتی را می‌شنود، طبیعی است که خیلی اوقات، بد، غلط یا ناقص بفهمد.

کلمات معصومین مرتبط با نوع نگاه، خاص به خدا، دنیا و هستی است و با یک مدل خاص فکر کردن و افق نگاهی خاص، مرتبط است. اگر می‌خواهیم به آن دقت لازم برسیم، باید در آن فضا تنفس کنیم و این مطلب به سلوک اخلاقی و معنوی انسان هم مرتبط است و وقتی شخص توانست در آن فضا تنفس کند، حرف‌ها را دقیق‌تر و ظریف‌تر می‌فهمد، حتی حس می‌کند یک جمله معصوم چند نوع می‌توانست بیان داشته باشد، ولی از نوع کلام به مقصود خاص معصوم، و حتی به دخالت عوامل خارجی یا حساسیت در محیط گفت‌وگو و تقیه و...، پی می‌برد، ضعف‌های مخاطب، نیازهای روحی مخاطب را از کلام معصوم می‌فهمد و نورانیتی در فهم پیدا می‌کند.

^۱ معنا: مقصود و غرض. مقتبس از روایت زیر:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ مَا عَرَفْتُمْ مَعَانِي كَلَامِنَا إِنَّ كَلَامَنَا لَيُنْصَرَفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا.

نکته آخر: نیاز معنوی طلبه

فراموش نکنید بخشی از کار طلبه در حوزه آموزشی است، اما بخش عظیم‌تر آن در مسائل دیگری است. طلبه‌ها در عصر ما، مشکلات متعددی دارند، مشکلات اخلاقی، خانوادگی و... ، ضعف در بینش سیاسی و اجتماعی، هماهنگ نبودن با فضای روز دنیا و کم توجهی به مسائل معنوی. اما نقش مسائل معنوی در این میان بسیار مهم است. ما معتقدیم طلبگی وظیفه ماست و باید این وظیفه را به دوش بکشیم و برای سلامت این حرکت به پشتوانه‌های معنوی نیازمندیم و گاهی کم توجهی به مسائل معنوی موجب می‌شود درخت طلبگی ما تناور و بلند شود، ولی از اساس آفت‌زده شود و به ثمر ننشیند. طلبه باید بداند که مسائل معنوی جزء اهم ارکان هویت اوست.

منبع: شبکه اجتهاد

درس خارج

مجید مبینی مقدس

روش‌شناسی اجتهاد (روشنا)

در پیام رسان ایتا @ravesh_ejtehad

برگرفته شده از روش‌شناسی اجتهاد (روشنا) ravesh-ejtehad.blog.ir